

بچه های مسی

۴۳

ماهنامه کودک و نوجوان
ماه ربیع الاول (آبان ۱۳۹۸)



فهرست مطالب

۱۰ حیوان نا آرام 	۸ آیا می دانید... 	۳ مقدمه 
۲۷ جدول 	۱۸ طعم عسل 	۱۲ پیام آور خدایی 

رده بندی دیوئی: ۲۹۷/۰۵

سر دبیر: محمد محمدی

صفحه آرا: مهدی شجری، و مقدار قربانی

تصویر گر: فهیمه حقیقی

تلفن: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۵

تیراژ: ۱۵۰۰۰ جلد

عنوان: بچه های مسجد

پدید آور: واحد آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

انتشارات: انتظار مهر ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۸ صفحه مصور رنگی

یادداشت: گروه سنی (ج)

موضوع: دین، کودک و زندگی

شابک: ۹۷۸۶۳۲۶۵۰۵۵۵۰



دور است خانه ی ما
پر می گشودم آنجا
آن گنبد طلایی
از شوقی روشنایی

از شهر خوب مشهد
ای کاش چون پرنده
پر می زدم به سوی
یک شعر می سرودم

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳

پیام رسان سروش:

@masjed_k_h





تصویر بچه های خوب مسجد امام رضا (ع) کاشمر
ارسالی توسط حجت الاسلام خیابانی



تصویر بچه های خوب مسجد ۷۲ تن
ارسالی توسط حجت الاسلام احمد صبوری



بچه های خوب مسجد امام حسین ع
 ارسالی توسط آقای غلامحسین باباخانی

**ائمه جماعت محترم؛ شما هم تصاویر بچه های مسجد خود را به آیدی
 ما در پیام رسان سروش ارسال کنید:**
@masjed_k_h
**در صورت بروز مشکل در ارسال تصویر، با شماره ذیل تماس حاصل
 فرمائید: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۱**

پیامک بچه های مسجد

سلام و عرض ادب. من تشکر می کنم برای مجله های خوب شما که برای ما می فرستید. دانیال ناصریان.

سلام. فاطمه هستم از سرخس. بابت زحمت هایتان ممنون. خیلی آموزنده و زیبا است.

سلام. من سجاد محمدخانی هستم از شهرستان فریمان. لطفا مطالب بیشتری رو توی مجله اضافه کنید. لطفا اسم منو توی مجله چاپ کنید. ممنونم.

سلام. سید محمد رضا وزیری ۹ ساله از مشهد مقدس. من مجله ۴۲ شما را مطالعه کردم. اگر می شود چیستان آن را بیشتر کنید. با تشکر از مجله خوبتون.

سلام. لطفا ماجرای گروه ۵+۱ را چاپ کنید. محمد حسین میرعلی.

سلام. من نازنین رقیه شیخ هستم از خراسان رضوی شهرستان درگز. پنج ساله. لطفا داستان های مناسب سن من را بیشتر در مجله قرار دهید ممنونم.

سلام. من کیارش اسحاقی هستم از مشهد. با سلام و خسته نباشید از شما. خواهش می کنم که پیامک من را بگذارید.

سلام. لطفا در مورد احکام هم توضیح بدید. عرفان داورزنی از شهرستان داورزن. عضو گروه یاران امام مهدی علیه السلام داورزن.

سلام علیکم. خسته نباشید. بابت قسمت آیا می دانید ممنونم مطلب های آموزنده و خوبی دارد. اجرکم عندالله.

سلام. من ابوالفضل حسن پور از مشهد هستم. من موذن و مکبر مسجدالمهدی هستم و در نماز جماعت شرکت می کنم. با سپاس از عوامل مجله بچه های مسجد.

باسلام. من محمد طاهای افروزی هستم از مسجد امام حسین علیه السلام گلپهار. موذن و مکبر مسجد هستم و نماز جماعت صبح هم با بابام میرم مسجد. بابت مجله هاتون خیلی ممنون. خیلی خوبه.

**فرزندان عزیزم؛
شما هم نظرات، پیشنهادات و
افتقادات خود را برای ما پیامک
کنید.**

۳۰۰۰۸۶۱۲۰۰۰۰۰۳

آیا می دانید دادن نان به اردک ها می تواند مشکلات بسیاری برای سلامت آن ها ایجاد کند؟

آیا می دانید هیچ کس نمی داند چرا صدای اردک ها اکو نمی شود؟

آیا می دانید اردک ها هنگامی که آب یخ زده است احساس سرما نمی کنند؟

آیا می دانید لایه های درونی پر اردک نوعی حالت گرم کننده دارد و اردک را در برابر آب عایق می کند؟

آیا می دانید روغنی از دم اردک ترشح می شود که موجب گرم شدن بدن اردک و راحتی در هنگام شنا کردن می شود؟

آیا می دانید غازها جزو اولین حیواناتی هستند که اهلی شدند؟

آیا می دانید غازهای وحشی قادرند در ارتفاع ده کیلومتری از سطح زمین که دما منهای ۵۵ درجه است پرواز کنند؟

آیا می دانید پلیکان ها در هر وعده به اندازه یک سوم وزن خود غذا می خورند؟



آیا می دانید...



حیوان نا آرام

در زمان امام حسن عسگری علیه السلام، خلیفه ظالمی حکومت می کرد. خلیفه، اسب یا الاغی چموش و خطرناک داشت که هیچکس نتوانسته بود آن را رام کند و سوارش شود. یک روز از امام علیه السلام خواست تا سوار آن اسب وحشی شود. قصدش این بود که حیوان امام علیه السلام را به زمین بکوبد یا با لگد به او صدمه بزند. امیدوار بود که امام علیه السلام با این حادثه کشته و یا زخمی شود. امام حسن عسگری علیه السلام جلو رفت. دستش را روی سر اسب گذاشت و نوازش کرد و به آرامی سوارش شد و به طرف خلیفه حرکت کرد و فرمود: «این حیوان که بسیار آرام و نجیب است!».

خلیفه که از خجالت و دستپاچگی نمی دانست چه کند گفت: «حالا که توانستید آن را رام کنید من آن را به شما هدیه می دهم.»
بله فرزندان عزیزم. تمام حیوانات و تمام مخلوقات با خواست خدا برای ائمه علیهم السلام رام هستند.

فرزند عزیزم، نظر شما در مورد این داستان چیست؟

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۶۱۲۰۰۰۰۰۰۳



پیام آور خدایی



در روزگاران قدیم یعنی در زمان حضرت محمد ﷺ مشرکین از هر راهی که می توانستند برای اذیت و آزارشان استفاده کردند و حتی ایشان و یاران اندکشان را مجبور به هجرت از مکه به مدینه کردند.

در شهر مدینه مردم به پیامبر ﷺ ایمان آوردند و قدرتشان روز به روز بیشتر شد تا اینکه خداوند به ایشان دستور داد تا با یاران خود برای فتح مکه حرکت کند.

در روز فتح مکه، پس از ورود لشکریان اسلام به شهر، پیامبر اکرم ﷺ در منطقه حجون در کنار حضرت ابوطالب ؑ کمی استراحت کرد، سپس در حالی که سوار بر شتر بود برای طواف خانه خدا به سمت مسجدالحرام رفت. یاران پیامبر ﷺ نیز همراه ایشان بودند و با صدای بلند تکبیر می گفتند تا وقتی با اشاره پیامبر ﷺ، همگان ساکت شدند.



پیامبر ﷺ در نخستین دور طواف وقتی در برابر کعبه رسید، با چوب بلندی که در دست داشت، ضربه‌ای به بت‌های هبل و اساف و نائله زد و آنها را سرنگون کرد و این آیه را خواند: **«قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا»؛ (بگو حق آمد و باطل محو و نابود شد و باطل همیشه نابودشدنی است).** با سقوط هبل، بت بزرگ، پیامبر ﷺ دستور داد آن را بشکنند. زیر به تمسخر به ابوسفیان گفت: «هبل بت بزرگ شکسته شد!» و ابوسفیان با نهایت دلخوری گفت: «بس کن. اگر غیر



از خدایی که محمد می گوید خدای دیگری بود، اوضاع ما این گونه نبود.»

آن گاه پیامبر ﷺ بتی را بالای بام کعبه دید. به حضرت علی ﷺ فرمود: «من می ایستم، تو بر دوش من بالا برو و آن بت را به زمین بیفکن.»

حضرت علی ﷺ بر دوش پیامبر ﷺ ایستاد و بت را گرفت و آن را کوبید و خرد کرد. سپس خندان از دوش پیامبر ﷺ پایین آمد. پیامبر ﷺ پرسید: «چرا می خندی؟»

امام علی ﷺ جواب داد: «در شگفتم که از بالای دوش شما به زمین آمدم ولی چیزی احساس نکردم.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «چگونه می خواهی چیزی احساس کنی در حالی که محمد تو را بر دوش گرفت و جبرئیل تو را پایین آورد.»

اینطور شد که شهر مکه از وجود بتها پاک شد و همه مردم به دین اسلام وارد شدند و خدای یکتا را پرستیدند.

مغازی واقدی، ج ۲، ص ۸۳۲

فرزند عزیزم، نظر شما در مورد این داستان چیست؟

بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۶۱

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۶۱۲۰۰۰۰۳



هرگز دعا نمی‌کنم!

امام صادق ع هر روز برای شاگردان خود علوم مختلف را تدریس می‌کردند و شاگردان بسیاری از علوم ایشان بهره‌مند بودند.

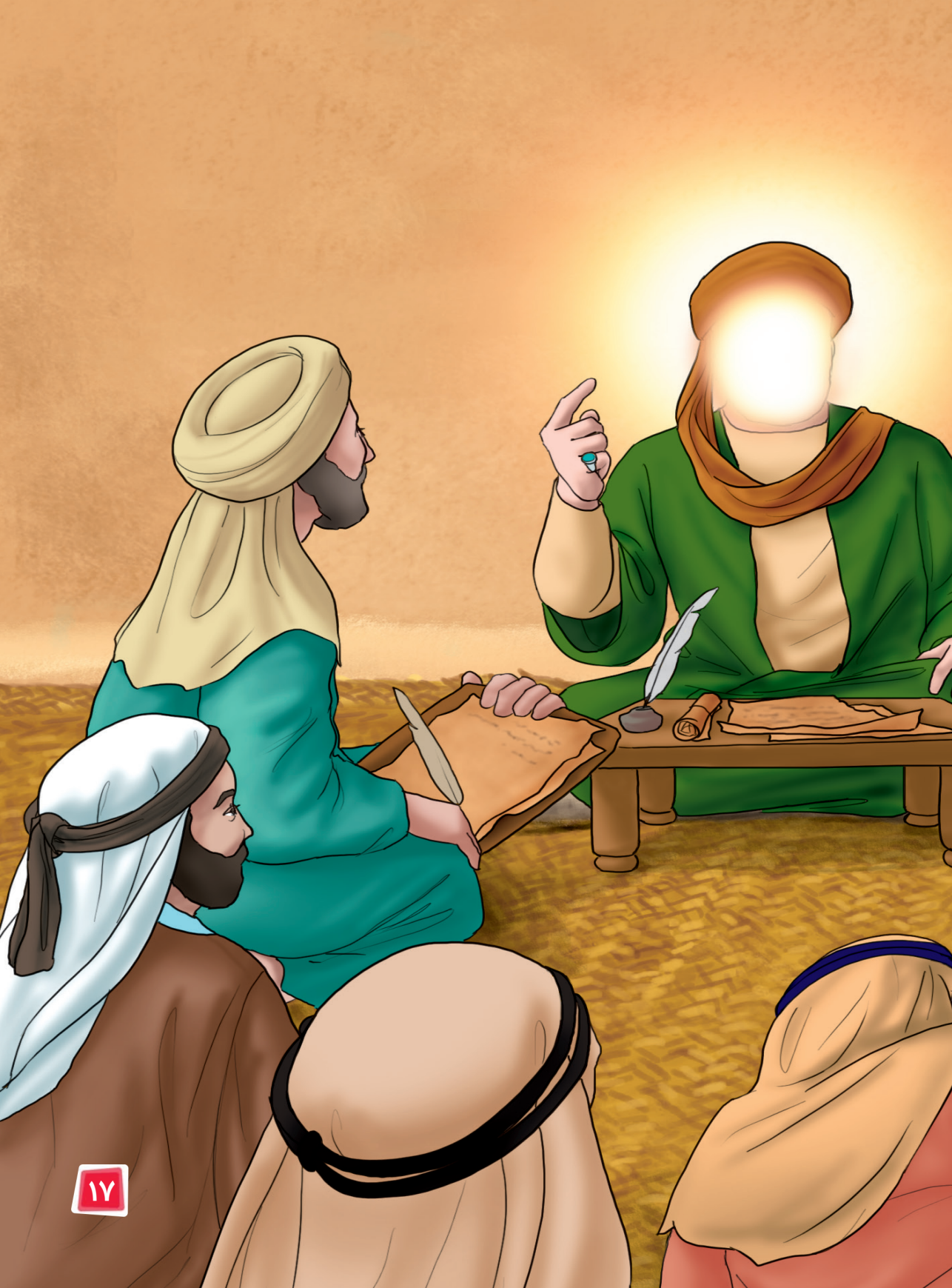
روزی از روزها، شخصی با هیجان و اضطراب به حضور امام صادق ع آمد و گفت: «درباره من دعایی بفرمایید تا خداوند به من وسعت رزقی بدهد، که خیلی فقیر و تنگدستم.»

امام ع: «هرگز دعا نمی‌کنم.»

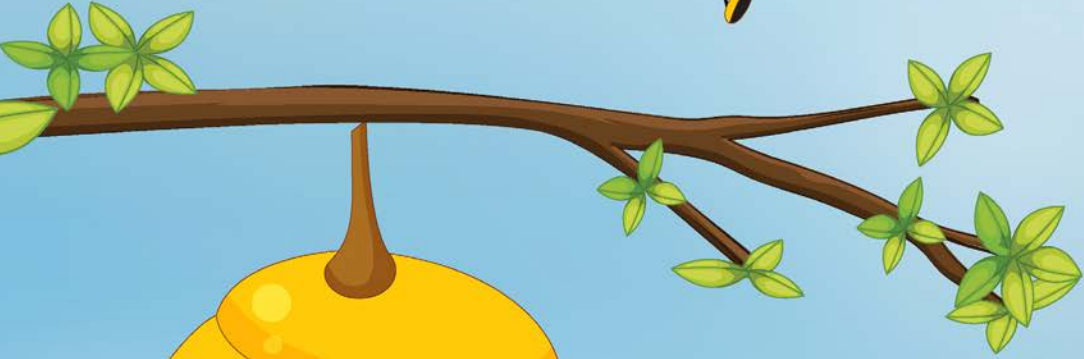
آن مرد گفت: چرا دعا نمی‌کنید؟!

امام ع فرمود: «برای این که خداوند راهی برای این کار معین کرده است. خداوند دستور داده تا با تلاش به دنبال روزی بروید. اما تو می‌خواهی در خانه خود بنشینی و با دعا روزی را به خانه خود بکشانی!»

مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۱۹۷



طعم عسل



یک روز که پیغمبر در گرمی تابستان
همراه علی می رفت در سایه نخلستان

دیدند که زنبوری از لانه خود پر زد
بر دامن پیغمبر آهسته فرود آمد

بوسید عبایش را، دور قدمش گردید
بر خاک کف پایش صد بوسه دیگر زد

پیغمبر از او پرسید: آهسته بگو جانم
طعم عسلت از چیست؟ هر چند که می دانم!

زنبور جوابش داد: چون نام تو می گویم
گل می کند از نامت صد غنچه به کندویم

تا یاد تو را هر شب چون گل به بغل دارم
هر صبح که برخیزم در سینه عسل دارم

از قند و شکر بهتر خوشتر ز نبات است آن
طعم عسل از من نیست، طعم صلوات است آن

شاعر: افشین علاء



موسی چرا
کاری نمی‌کنی؟ هان؟!
فکر می‌کردیم اگه تو بیای،
شر فرعون کم می‌شه
وسختی‌ها می‌ره...

اما وضع فرق نمی‌کنه!
همونه که بود...

خدا تو را رحمت کند...
تغییر وضعیت و پیروزی
که شرط دارد!
شرطش صبر و مقاومت است؛
اگر به خدا باور داری،
پس باید از او کمک بخواهیم
و بین خودمان هم تقوا
و پروا داشته باشیم



فرعون
خانه های بنی اسرائیل را
می سوزاند و آنها را به بردگی
می برد و روز به روز ظلم و
ستمش را افزایش می داد.



خدا هم به واسطه صبر و
مقاومت برخی از بنی اسرائیل،
انواع مشکلات و بلاها را بر سر
فرعونیان فرود می آورد.



با نزول عذاب ها، فرعونیان تصمیم
می گرفتند دست از ظلم و دشمنی بردارند...



اما همین که بلا دفع
می شد، دوباره شروع به
دشمنی و ظلم می کردند!

نهایتاً فرعون تصمیم می گیرد قوم
بنی اسرائیل را نابود کند!

دیگه این وضع
آزاردهنده شده!
هرروز یه مشکلی از طرف
بنی اسرائیل پیش میاد...
مماشات کافیه!
کلکشونو بکنید...

موسی چه کار
می خوای بکنی؟
برنامه ات چیه؟

می دونی
می خوان زنان و
دخترامونو به کنیزی
و بردگی ببرند؟!

موسی!
می دونی فرعون
دستور داده همه
پسران جوانمون رو
قتل عام کنند؟!

حضرت موسی (ع) به آنها گفت :

می دانم...
من هم می دانم...
خدا ما را مامور کرده که
مخفیانه و شبانه از شهر
خارج شویم و به سمت
دریا حرکت کنیم...

حضرت موسی (ع)
قوم را شبانه از شهر
خارج کرد و به سمت
دریا راهنمایی نمود.



بامدادان فرعونیان از خروج
بنی اسرائیل مطلع شدند و با ادوات و تجهیزات،
آنها را تعقیب کرده تا در نزدیکی دریا به آنها رسیدند.
ظاهراً بنی اسرائیل در میان دریا و فرعونیان
گیر افتاده بود! نه راه پس داشتند
و نه راه پیش...

فرعون با تمام قوا
به سوی آنها حمله ور شد...



هنگامی که هر دو گروه
از دور یکدیگر را دیدند،
برخی از بنی اسرائیل به
موسی معترض شدند

اونانا دارن پیروز می شن
نه ما!!!! پس اون کمک و
پیروزی خدا کجاست؟! هالان!!

موسی موسی موسی!
ببین چه بلایی سرمون آوردی!
بیچاره شدیم!
گیر افتادیم...

عجب حماقتی
کردیم عقلمونو
دادیم دست موسی!
به خاک سیاه
نشستیم...

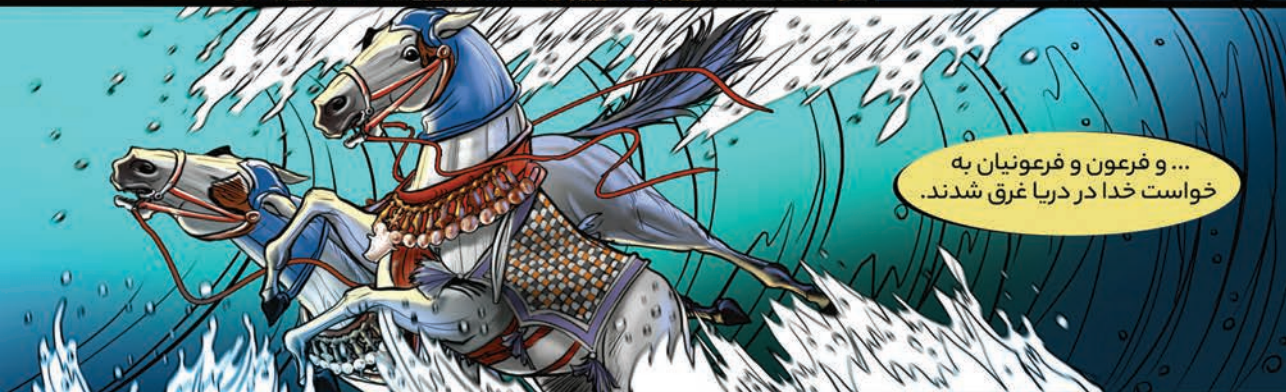
هرگز!
ما در پناه خدایمان
هستیم! او ما را
رها نمی کند وقتی که
ما او را رها نکرده ایم...
او ما را هدایت
خواهد کرد

موسی!
کارمون تمومه...

لحظه ای بعد، خدا به موسی (ع)
وحی کرد که عصایش را به دریا بزند!
چون چنین کرد، دریا از هم شکافته شد و
هر بخشی همچون کوه عظیمی
از آب بود!

حضرت موسی (ع) دستور داد
مردم به سرعت از دریا عبور کنند؛
در حالی که فرعونیان در تعقیب
آنها بودند...

در حالی که آخرین نفر از
بنی اسرائیل از بستر نمناک دریا خارج
شده بود و به خشکی رسیده بود، آخرین نفر از
فرعونیان از آن طرف، وارد دریا شده بود.
وقتی که همه فرعونیان در بستر دریا بودند،
به اذن خدا آب ها از دو طرف بر سر فرعون و
لشکرش سرازیر شدند....



... و فرعون و فرعونیان به
خواست خدا در دریا غرق شدند.



ولی بدانید
که مسئولیت بزرگی هم
خواهیم داشت. ما با عمل
و رفتارمان آزمایش
خواهیم شد.

خدایا تو را شکر
خدا را شکر کنید...
امروز نعمت عظیمی
به شما داده شد



دیدید؟
دیدید چه شد؟!
دریا بسته شد! فرعون غرق
شد... فرعون غرق شد...
ما نجات یافتیم...
نجات یافتیم...

جدول اعداد

قانون اول: در هر سطر جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

قانون دوم: در هر ستون جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

قانون سوم: در هر ناحیه ۳*۳ جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

		۶			۲	۳		۸
				۹		۲		
					۴		۷	
۸		۳	۱					
	۳	۲		۸			۵	
	۸			۵				
		۱			۳	۸	۲	
					۹	۶		۹
۹		۷		۴				
۱		۵	۸			۹		

۱- سپهر تمنانو، مسجد اب، شهرستان نیشابور؛

۲- محمد مهدی یکتای مقدم، مشهد مقدس؛

۳- حسن رماهی، مسجد جوادالائمه علیه السلام، مشهد مقدس؛

۴- محمد جواد نجفی سرناباد، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، گلپهارد؛

۵- امیرحسین خسروی، مسجد امام حسن عسکری علیه السلام،

بیرجند.

جدول

رمز جدول را به همراه نام، نام خانوادگی، مسجد و شهرستان برای ما پیامک کنید: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۵



پاسخ ماه قبل:

حسن

۱- هر صد سال؛

۲- روز نیست؛

۳- امام رضا علیه السلام به آهو معروف است.

۴- دشمن حضرت موسی علیه السلام

۵- کهکشان ما.

۶- پلیکان ها در هر وعده به اندازه وزن بدنشان غذا می خورند.



نشریه بچه‌های مسجد، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است
که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین
بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.
شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را
به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳ ارسال نمایید.